

فرقه‌سازی استعمارگران

با توجه به قدرت نفوذ و تأثیرگذاری استعمارگران، باید نیازمندی‌های آنان را به عنوان متغیری اساسی در رشد و گسترش فرقه‌های همسو با منافع آنان، نظیر بابیگری و بهائیگری، در نظر گرفت. به بیان دیگر، تنسیخیس جایگاه این فرقه‌ها نیازمند توجه به کارکرد آنان برای قدرت‌های استعماری می‌باشد. در مقاله زیر، ضمن معزوفی اجمالی فرقه‌های یادشده، اهداف استعمارگران در تقویت این فرقه‌ها و بهره‌گیری از آن‌ها بررسی شده است.

از ویزگی‌ها و خصوصیات باز مسلک بایت (و بهائیت منشعب از آن)، تقسیم مداوم آن به فرقه‌ها، دسته‌بندی‌ها و انشعابات جدید است. بگذریم از اینکه خود «بایت»، در اصل، یکی از انشعاباتی بود که در گروه شیخیه و در میان پیروان شیخ احمد احسانی و سید کاظم رشتی، رخ داد و رویارویی‌های بسیاری را با شاخه‌های دیگر این گروه (به رهبری حاج محمدکریم‌خان کرمانی و میرزا شفیع تبریزی و... در کرمان و تبریز و دیگر شهرهای ایران) به دنبال آورد. عده‌ای از پژوهشگران معتقدند که جریان باب و بهاء، طی تاریخ خود، «مانند یک بمب خوشای فرهنگی» در بین مسلمانان عمل کرده، که تعبیر جالب و درخور دقی است.

در بررسی سیر تحولات تدریجی دو فرقه بایت و بهائیت، مشاهده می‌شود که پس از مرگ میرزا علی‌محمد شیرازی «باب»، مؤسس فرقه بایت، اختلافات و تفرقه‌های فراوانی به وجود آمد و فرقه‌های متعددی ساخته شد. این فرقه‌سازی، اگرچه نتوانست به انهدام فرهنگ مسلط شیعی و از بین بدن انسجام جامعه اسلامی در کشور ما بیانجامد، به هر صورت، تعدادی از افراد را از بدنۀ اقتدار دینی حاکم بر کشور جدا کرد و با این کار عملاً به منافع استعمار غرب سود رساند.

فرقه‌ها و انشعابات بایت و بهائیت

پس از مرگ علی‌محمد باب، اختلافات و تفرقه‌های فراوانی به وجود آمد. مهم‌ترین اختلاف در بین دو تن از

پیروان او، میرزا یحیی صبح ازل و میرزا حسینعلی بهاء، رخ داد که آین او را به دو شعبه اساسی تقسیم کرد فرقه ازلی؛ یعنی پیروان صبح ازل، که به آین باب وفادار و استوار ماندند، و فرقه بهائی که به بهاء رو آوردند او را مصلح کل و «من یطهره‌الله وعده‌داده شده در کتاب بیان» پنداشتند.^۱ فکنی است که صبح ازل و بهاء، با هم برادر، و در ترویج بایت همکار یکدیگر بودند، اما پس از رقابت و اختلافی که بین ایشان بر سر ریاست بایان درگرفت، از هیچ‌گونه دشمنی و کینه‌توري و بدگونی (و حتی زمینه‌چینی برای ترویه همیگر) دریغ نکردنکه شرح آن را باید از کتاب‌های آن‌ها و اتباعشان جستجو کرد.

الف—فرقه ازلیت:

مرام ازیلان همان مرام بابی است و چندان تفاوتی با آن ندارد، فقط وجه تمایزشان از دیگر بایان این است که صبح ازل را جانشین باب می‌دانند.^۲ از این فرقه، با عنوان بابی هم یاد شده است. فرقه ازلی پس از مرگ صبح ازل رفته‌رفته منقرض شد^۳ و عامل این امر، بیش از هر چیز، عدول میرزا یحیی دولت‌آبادی (وصی رسمی صبح ازل) از پذیرش رهبری فرقه، بلکه توصیه وی به ازلی‌ها مبنی بر تبعیت از مذهب تشیع بود که شرح آن در کتاب حسین مکی آمده است.^۴

ب—فرقه بهائیت:

میرزا حسینعلی بهاء، پس از منازعات طولانی با رقیب خود، که حدود ۲۴ سال طول کشید، بساط الوهیت و رویت خود را پهنه کرد و رهبری این فرقه را به عهده داشت و در پایان عمر خود، به ترتیب، دو پرسش: میرزا عباس (عباس افندی) و میرزا محمدعلی را جانشینان پس از خود معزفی کرد.^۵ با وجود این، پس از مرگ بهاء (۱۳۰۹ق.) بر سر جانشینی او بین عباس افندی و محمدعلی اختلافی شدید و فرزانه‌های افتاد و دو طرف، یکدیگر را به باد هنگی و ناسزا گرفتند. سرانجام نیز عباس افندی توانست با زیرکی بر برادر غلبه یابد، او را برای همیشه از گردونه رهبری بهائیت طرد کند و دهها سال بر مسند ریاست بهائیان تکیه زند.^۶

پس از مرگ عباس افندی (۱۳۴۰ق.)، چون دارای فرزند ذکور نبود، با نلاش دخترش، و حمایت حکومت

پس از مرگ میرزا علی محمد شیرازی «باب»، مؤسس فرقه بابیت، اختلافات و تفرقه‌های فراوانی به وجود آمد و فرقه‌های متعددی ساخته شد. این فرقه‌سازی، اگرچه نتوانست به انهدام فرهنگ مسلط شیعی و از بین بردن انسجام جامعه اسلامی در کشور ما بیانجامد، به هر صورت، تعدادی از افراد را از بدنۀ اقتدار دینی حاکم بر کشور جدا کرد و با این کار عملابه منافع استعمار غرب سود رساند

شخصی به نام چمشید معانی در اندونزی خود را تحت عنوان «سماء‌الله» رهبر بهائیان خواند و در آنجا طرفدارانی پیدا کرد و اعضای محافل بهائیت پاکستان نیز به او پیوستند.¹¹ ماجرا به آنچه گفته شده نشود و گذشته از فرقه‌های یادشده، طرقه‌های جرئی دیگری نیز در مسلک بای و بهائی مانند فرقه‌های بیانی و مرآتی ظهور کردند که شرح آن‌ها در این مجلد نمی‌گنجد. هم‌اکنون نیز گروه‌های متعددی از بهائیت جدا شده‌اند و تحت عنوانی بهائیان طردشده (bahais) ex)، بهائیان همجنس‌گرا (gay bahais) و بهائیان اصلاح طلب (reformer bahais) به فعالیت خود ادامه می‌دهند.¹²

امروزه بخش عمده بهائیان (پیروان روحیه ماسکول، بیوه شوقی افندی) با مرکزیت بیت‌العدل اعظم، واقع در اسرائیل، اداره می‌شوند. اعضای بیت‌العدل در هر دوره نه نفر هستند که در تمامی دوره‌ها اکثر کرسی‌های بیت‌العدل را افرادی با ملت امریکایی و بعض‌ایرانی تصادیح نمودند.¹³ پیشتر پیروان این فرقه در امریکا و هند ساکن هستند و تشکیلات آنان، علاوه بر این دو کشور، در کشورهای افریقایی و آسیایی شعبه دارند و به تبلیغ اینین خود مشغول‌اند¹⁴ (سیر اجداد فرقه‌های بای و بهائی از آغاز ظهور باب تاکنون در نمودار شماره ۱۰ آمده است).

اهداف و انگیزه‌های استعمار از فرقه‌سازی‌ها
دلایل و شواهد خلل ناپذیری در صفحات تاریخ، گواه این است که دست‌های پنهان و پیدای استعمار، اگر نه در پیدایش، دست کم در تداوم بایگری و خصوصاً بهائیگری در کار بوده و هست. بررسی این امر و دلایل و شواهد آن، مجالی مبسوط می‌طلبید که در ظرفیت محدود این مقاله نمی‌گنجد. اما آنچه پس از آشنایی با فرقه‌ها و شاخه‌های پرپارا این آینین ساختگی، از اشاره به آن ناگزیریم، طرح این سؤال اساسی است که استعمار از فرقه‌سازی و ایجاد شاخه‌های متعدد در دین مقدس اسلام، چه سودی می‌برد و با تعقیب و تداوم این امر، چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ پوشیده نیست که هدف اصلی استکبار و نظام سلطه، سیطره بر تمام جهان، و استعمار ملت‌هast است. لذا همواره می‌کوشد با غارت منابع و ذخایر کشورها و تضعیف اقتصاد

انگلیس در فلسطین اشغالی، نوء دختری او موسوم به شوقی افندی (تحصیل کرده انگلیس) بر مسند جانشینی عباس و پیشوای بهائیت تکه زد. این جانشینی نیز در میان بهائیان مشاجرات و انشعاب تازه‌ای را دامن زد.¹⁵

این انشعاب، پیدایش «فرقۀ سهرابی» بود که رهبر آن میرزا احمد سهراب (از فعالان و برگستگان بهائیت در زمان عباس افندی، و از مقربان نزد او) از اطاعت شوقي سریچی نمود و با او مخالفت کرد. پیروان این فرقه پیشتر در امریکا هستند.¹⁶ افزون بر این، در پی مرگ

عباس افندی، شمار سیاری از مبلغان مشهور بهائی همچون عبدالحسین آواره، حسن نیکو، صالح اقتضاد و نیز فضل الله صبحی (منشی و کاتب مخصوص عباس افندی) بر شوقی افندی، بلکه بر مسلک بهائیت، شوریدند و به دامان اسلام بازگشتد و عليه بهائیت و سران و رهبران آن، به اشناگری برخاستند.

شوقی افندی (رهبر چهارم مسلک باب — بهاء) سال ۱۹۵۷م/۱۳۳۶ش در سن ۵۸ سالگی در لندن درگذشت و فرزندی از او نماند. بیوه کانادایی او، خانم روحیه ماسکول، در مورد شوقی ادعای کرد که وی هیچ وصیت‌نامه‌ای از خود باقی نگذاشته است. مطلعان ادعای ماسکول را با توجه به تأکید بسیار آینین بهائی بر نوشتن وصیت‌نامه توسط افراد سخت مشکوک تلقی کردند و رفتار انحصار طلبانه‌ای نیز که وی بر ضد بعضی از افراد تراز اول فرقه و همکاران نزدیک شوقی (ظییر میسون ریمی امریکایی) در پیش گرفت بر این شک افروزد. شوقی افندی قبل از مرگ خود «عیات بین‌المللی بهائی» را (که از آن به عنوان جنن و نطفة اولیه «بیت‌العدل اعظم بهائیت» یاد می‌شود) تشكیل داده و میسون ریمی را به ریاست این نهاد بسیار مهم منصب کرده بود.¹⁷ اقدام دیگر ماسکول، تشکیل بیت‌العدل بدون حضور «ولی امر» بود که با تأکیدات صریح و مکرر رهبران اولیه بهائیت، تعارض داشت و عملاً بهائیت را به بن بست مشروعیت کشانید.

رهبری میسون ریمی (به عنوان جانشین شوقی) را عدماً از پیروان شوقی تأیید کردن او را ملقب به «ولی امر ثانی» نمودند. میسون ریمی نام گروه خود را «بهائیان ارتودکس» نهاد و طبعاً خانم ماسکول با انتخاب وی به این سمت مخالفت نشان داد. اکثر بهائیان کنونی تابع ماسکول هستند. مدتی پس از آن،



اینکه دریافت مذهب شیعه و فرهنگ انتظار و مهدویت مهم‌ترین مانع سلطه آنان بر ایران است، با سوءاستفاده از جهل و نادانی مردم و سایر زمینه‌های مساعد، به ایجاد فرقه‌های ضاله، دست زد و از این طریق سعی کرد فرهنگ اصیل شیعه را تضعیف نماید. آنان با تفرق و تحبز گرفتاری، به اقتدار، انسجام و وحدت مردم مسلمان ایران ضربه وارد نمودند و تلاش کردند از یکسو با تحقیر هویت ملی و اعتقادات و باورهای دینی مسلمانان زمینه را برای پذیرش فرهنگ منحط غرب فراهم کنند و از سوی دیگر با تبلیغ گسترش مکتبها و مذهب‌های پوشالی و تقویت آن‌ها، به هدف خود، که محظوظ نابودی اسلام است، برستند.

پی‌نوشت‌ها

- * کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی.
- ۱- اسماعیل رائین، انشاع در بهائیت؛ پس از مرگ شوقي ریانی، تهران، مؤسسه تحقیقی رائین، ص ۱۴۵
- ۲- یوسف فضایی، شیخیگری، بایگری، آشیانه کتاب، ۱۳۸۱، ص ۱۸۱
- ۳- سید سعید زاهد زاده‌انی، بهائیت در ایران، چاپ دوم، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹
- ۴- یوسف فضایی، همان، ص ۱۸۱
- ۵- رک: زندگی میرزا تقی خان امیرکبیر، حسین مکی، چاپ ۹ تهران، انتشارات ایران، ۱۳۶۶، ص ۳۶۲-۳۶۷، اظهارات غلامرضا آگاه.
- ۶- داشتمانه جهان اسلام، بنیاد دایره المعارف اسلامی، چاپ ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۷۴۰
- ۷- اسماعیل رائین، همان، ص ۴۶
- ۸- احمد کسری، بهائیگری، همان، ص ۴۹
- ۹- یوسف فضایی، همان، ص ۲۰۱
- ۱۰- درباره میسون ریمی رک: اسماعیل رائین، همان، ص ۱۴۸-۱۵۵
- ۱۱- یوسف فضایی، همان، ص ۲۱۱-۲۰۵
- ۱۲- رک: سایت <http://vahdatebahai.persianblog.com>
- ۱۳- رک: سایت <http://hamianeshcitan.blogfa.com>
- ۱۴- سید سعید زاهد زاده‌انی، همان، ص ۲۸۵
- ۱۵- حسن قدوسي‌زاده، نکته‌های ناب، گزیده بیانات رهبر فرزانه انقلاب در جمع دانشجویان و دانشگاهیان، نشر معارف، ۱۳۸۴، ص ۶۲
- ۱۶- سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۲، بی‌تا، ص ۷۳-۷۱
- ۱۷- سید محمد هاشمی تروجی و حمید بصیرت‌منش، تاریخ معاصر از دیدگاه امام خمینی (تیبا)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۷
- ۱۸- سید جلال الدین مدنی، همان، ص ۱۷-۱۵
- ۱۹- موسی نجفی و موسی فقیه‌حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۱، ص ۱۶۹-۱۷۰
- ۲۰- سید محمدی‌ناصر نجفی، بهائیان، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۷، ص ۶۱۶-۵۱۶
- ۲۱- حاج شیخ حسن فرید گلپایگانی، مفتاح باب‌الابواب یا تاریخ باب و بهاء، چاپ ۳، ۱۳۴۶، ص ۱۱۹-۱۱۸

ثروت ایران و کشورهای شرقی مهم‌ترین هدف «استکبار است».^{۱۷} اما آنچه سد راه آنان در چاول این مملکت و مانع اجرای نقشه شومشان بود، مذهب ملت ایران بود. عامل اساسی اتحاد این ملت، که رهبری، تشکیلات و اقتدار سیاسی هم داشت، «مذهب شیعه» یا «اسلام ناب محمدی» بود.

از آنجاکه استعمار پیر در طی تاریخ استعمارگری خود، زیرکانه دریافت که با شیوه منسخ و قدیمی جنگ‌های صلبی و لشکرکشی نظامی، نمی‌تواند به هدف خود، که محظوظ نابودی اسلام است، نایل آید، با انواع ترفندها در صدد برآمد آن را تضعیف کند و برای رسیدن به هدف خود از ازارهای دیگری به کار گرفت.

در دوره فتحعلی‌شاه در جنگ‌های ایران و روس، که در آغاز ایران به فتوحاتی دست یافت، قدرت دین و مردم برای روس‌ها مسلم شد و در دوره ناصرالدین شاه اولین مقاومت‌های دینی و ملی در مقابل قراردادهای ظالمانه بیگانگان انجام شد.^{۱۸}

کاربرد و کارآئی مذهب تشیع پس از مقابله روحانیت با قرارداد رویتر، بهخصوص پس از رویداد «رسی» که به جنبش معروف تباکو و پیروزی مردم و روحانیت منجر شد،^{۱۹} توجه قدرت‌های استعمارگر را برانگیخت و پس از آن به کارگیری جاسوسان و عوامل مختلف برای بهره‌برداری از این مسأله در جهت برآوردن منافع مورد نظر خویش، در رأس اقدامات آنان قرار گرفت. در چنین زمانی بود که دعاوی باب و بهاء نظر سیاست‌بانان خارجی را به تداوم حیات این فرقه‌ها به عنوان نطفه‌ای که می‌تواند تهدیدی جدی برای تشیع، روحانیت و نظام مدافع و مروج شیعه پذشمار آید، به خود جلب کرد. به نحوی که از همان آغاز، تقویت و تحریک این مدعیان در دستور کار دولت‌های استعماری قرار گرفت. در مقابل نیز رهبران بهائی و ازلی نیز سرسپریدگی خود را به سفارتخانه‌های روس و انگلیس دوچندان ساختند تا از این طریق و تحت حمایت سیاست‌های بیگانه، مجری طرح‌ها و توطنهایی شوند که از یکسو رونق کسب و کارشان و از سوی دیگر جلب رضایت بازیگران و سیاست‌گذاران خارجی را به دنبال داشت.^{۲۰}

از سوی دیگر مردم از جنگ‌های سختی که در سال‌های پیش از ظهور جنبش باب، بین ایران و روسیه تزاری وجود داشت و نیز بی‌کفایتی دولت‌های قاجار، خسته و افسرده شده بودند و به دنبال پناهگاهی معنوی می‌گشتند. لذا حتی پیش آمده بود که همه در انتظار فرج امام زمان (عج) به سر می‌برندند تا ملت اسلام را از یوغ ظلم روسیه تزاری و چپاول‌های انگلیس و دولت حاکم نجات دهد، این زمینه‌ها و عوامل باعث شد که عده‌ای از مردم با شنیدن ادعاهای باب و پیروانش به آنان گرایش پیدا کنند و به جای پناهگاه صحیح، به پناهگاه کاذب روی آورند.^{۲۱}

آنان سیطره خود را بر جهان حفظ نمایند. سلطه‌گران جهانی برای حفظ رابطه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری دیگر جوامع همواره در تلاش‌اند هرگونه مقاومت را در برابر امواج افرون‌طلبی‌های خود، از میان بردارند.^{۲۲} با سیری در تاریخ درک می‌گردد که استعمارگران به سرمیان‌های آباد و پر از معادن و ذخایر شرق، به خصوص خاورمیانه، همواره توجه داشته‌اند. از میان کشورهای خاورمیانه نیز، ایران، به دلیل داشتن موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد و منابع و ذخایر متعدد، طمع سلطه‌گران در امان نبوده و مورد چپاول و غارت آنان قرار گرفته است که البته در هر دوره‌ای مردم آزاده و مسلمانان این خطه، صحنه‌های شگفتی از مقاومت استادگی و سلطه‌ستیزی را به نمایش گذاشته‌اند با مختصر تأملی در اوضاع و شرایط داخلی ایران در دوره قاجار (زمان پیدا شیوه و ظهور بایگری) روش می‌گردد که استعمارگر روس و انگلیس بر سر منافع و امتیازات در ایران، در رقابت با یکدیگر بودند و در نهایت در صدد برآمدند ایران را بین خود تقسیم کنند، به گونه‌ای که بعد از برقراری مشروطه در دوره مجلس اول، قرارداد ۱۹۰۷ و تکمله‌های سری آن در ۱۹۱۵ نشان می‌دهد که آنان به این توافق، که شمال از روسیه و جنوب در اختیار انگلیس باشد، رسیده بودند.^{۲۳}

بعد از جنگ‌های ایران و روس، روسیه عمدتاً دولت ایران را در دست داشت و انگلستان نیز قدرت نفوذ دیرینه خود در ایران را حفظ نموده بود. امام خمینی (ره) فرموده است: استکبار در حدود سیصد سال در مورد منابع اقتصاد ایران مطالعه کرده است و قصد غارت نمودار شماره ۱

